

بررسی رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و محافظه کاری سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

حمید مرادی^۱، مجتبی مشدئی^۲، امید امری^۳

۱. گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران Email: hamidmoradiacc@gmail.com

۲. گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران Email: moshdeeim@yahoo.com

۳. گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران Email: amir@iau-shahrood.ac.ir

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و محافظه کاری سود است. بدین منظور ارتباط بین تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی، تخصص حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی و تخصص غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی و محافظه کاری سود بر اساس مدل رگرسیون خطی چند متغیره مورد بررسی قرار گرفت. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره دوساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳ است. نتایج آزمون فرضیه ها بر اساس مدل محافظه کاری سود باسو نشان می دهد که تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر محافظه کاری سود ندارد؛ درحالی که تأثیر تخصص حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی و تخصص غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی بر محافظه کاری سود مثبت و معنادار است.

واژه های کلیدی: محافظه کاری سود، کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی

۱- مقدمه

خدمات حسابداری داخلی و کمیته حسابداری که ریاست آن به عهده یکی از اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره است نقش مشاور را برای هیئت‌مدیره بازی می‌کنند. وظایف کمیته حسابداری شامل حصول اطمینان از نظام‌های کنترلی و حسابداری است. کمیته حسابداری بخشی مهمی را در شرکت تشکیل می‌دهد که برای پیاده‌سازی روش‌های راهبردی شرکتی حیاتی محسوب می‌شود. اصول راهبردی شرکتی تأکید می‌کند اعضای این کمیته در بهبود فرآیند گزارشگری مالی مشارکت نمایند. برای تحلیل‌گران، اعتبار گزارش کمیته حسابداری تابعی از تخصص حرفه‌ای اعضا می‌باشد که دربرگیرنده گستره وسیعی از مهارت‌ها، استانداردهای اخلاق حرفه‌ای و سطح دانش آن‌ها از حسابداری و حسابداری است. کمیته حسابداری برای اینکه بتواند اثربخش عمل کند، باید مستقل از واحد اقتصادی باشد. برای حفظ استقلال، اعضاء کمیته حسابداری باید از بین مدیران غیرموظف انتخاب شوند، مدیرانی که ارتباط آن‌ها واحد اقتصادی به‌گونه‌ای نیست که به استقلال آن‌ها خدشه وارد کند. همچنین، اعضاء کمیته حسابداری باید از دانش و تخصص حسابداری و مالی لازم و کافی برخوردار باشند. بدون دانش و تخصص حرفه‌ای، اعضا قادر به درک اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی واحدهای اقتصادی نیستند. از این‌رو نمی‌تواند به‌طور اثربخش عمل کنند. اگر کمیته حسابداری از اعضاء مستقل و متخصص، غیرفعال یا کم‌فعالیت و فاقد تجربه کافی تشکیل گردد. به‌طور حتم اثربخش نخواهد بود؛ بنابراین با توجه به اهمیت کمیته حسابداری و نقشی که در شرکت ایفا می‌کند، در این پژوهش سعی شده است نقش آن بر سطح محافظه‌کاری موردبررسی قرار گیرد. در اغلب چارچوب‌های نظری، محافظه‌کاری به‌عنوان واکنش احتیاط‌آمیز به عدم اطمینان توصیف می‌شود. در مفاهیم گزارشگری مالی، محافظه‌کاری بر عدم شناسایی بیش از واقع دارایی یا درآمد و عدم شناسایی کمتر از واقع بدهی یا هزینه دلالت دارد. باسو، از دیدگاه زمان‌سنجی، محافظه‌کاری را لزوم درجه بالاتری از تأیید برای شناسایی اخبار خوب نسبت به اخبار بد در سود تعریف می‌کند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پس از رسوایی‌های اخیر حسابداری که منجر به فروپاشی شرکت‌های بزرگ از قبیل انرون، ورلدکام و... که باعث به وجود آمدن زیان‌های فراوان برای بسیاری از سرمایه‌گذاران و ذینفعان گردید توجه قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران، دانشگاهیان و افکار عمومی به بهبود حاکمیت شرکتی و کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش یافته است و موجب تأکید بیش‌ازپیش بر ضرورت ارتقا و اصلاح نظام حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی شده است (حساس یگانه، ۱۳۸۴). در این میان، جایگاه هیئت‌مدیره شرکت به‌عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به‌منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد، بیش‌ازپیش اهمیت می‌یابد (مکرمی، ۱۳۸۲). در ادبیات حاکمیت شرکتی، نقش‌های متفاوتی برای هیئت‌مدیره ذکر شده است. از جمله، نقش هیئت‌مدیره به‌عنوان نهاد ناظر بر عملکرد مدیران اجرایی شرکت در جهت حفظ حقوق و منافع سهامداران که بر این نقش، فاما و جنسن^۱ در نظریه نمایندگی تحت عنوان نقش نمایندگی هیئت‌مدیره تأکید کرده‌اند (رضایی، ۱۳۹۱). با در نظر گرفتن این که میزان قابل‌توجهی از اطلاعات موردنیاز استفاده‌کنندگان توسط مدیریت بنگاه‌های اقتصادی تهیه، پردازش و گزارش می‌شود؛ حصول اطمینان نسبی از کیفیت این اطلاعات ضروری به نظر می‌رسد. در این شرایط وجود یک سازوکار کنترلی که به‌صورت نسبی تضمین‌کننده شفافیت اطلاعات گزارش‌شده در صورت‌های مالی باشد، ضرورت می‌یابد. این سازوکار در قالب کمیته حسابداری ارائه می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۰).

کمیته حسابداری، یکی از کمیته‌های هیئت‌مدیره است که به‌طور معمول نقش آن تمرکز بر جنبه‌های گزارشگری مالی است (قنبریان، ۱۳۹۰). به‌بیان‌دیگر کمیته حسابداری، کمیته‌ای است متشکل از به‌طور معمول سه الی پنج نفر از اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و اعضای مستقل که مسئولیت نهایی نظارت بر کلیه فعالیت‌های مالی شرکت را بر عهده دارد (باقرزاده، ۱۳۷۹). تخصص مالی کمیته حسابداری، یکی از ویژگی‌های کمیته حسابداری است. زمانی که یک کمیته حسابداری اعضای باتجربه و متخصص حسابداری، بیشتری داشته باشد احتمال کمتری دارد به‌کمبود در کنترل داخلی و مشکلات گزارش دهی مالی

1. Fama & Jensen

مواجه شود (راپلی و همکاران، ۲۰۱۱). در نتیجه، قانون توصیه می‌کند که حداقل یک عضو کمیته حسابرسی باید تجربه مالی جدید و مناسب داشته باشد (منگنا و پایک، ۲۰۰۵). تجربه و تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی، به سوابق مربوط در زمینه مالی و حسابداری و عضویت در یک هیئت مالی یا حسابداری، همچنین اخذ مدرک در رشته حسابداری اشاره دارد (لی و همکاران، ۲۰۱۲).

سود به‌عنوان نتیجه نهایی فرآیند حسابداری تحت تأثیر رویه‌های حسابداری که مدیریت انتخاب نموده، محاسبه می‌شود. این امکان انتخاب رویه‌های حسابداری، به مدیریت فرصت می‌دهد تا در مورد زمان شناخت و اندازه‌گیری هزینه‌ها و درآمدها تصمیم‌گیری نماید (احمدی دستجردی، ۱۳۸۹). در چنین شرایطی اصول و رویه‌های حسابداری به پشتوانه مراجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری، باهدف متعادل کردن خوش‌بینی مدیران، حمایت از حقوق ذینفعان و ارائه منصفانه و مطلوب صورت‌های مالی، مفهوم محافظه‌کاری را به کار می‌برند (میرزایی، ۱۳۹۳). در حسابداری، محافظه‌کاری با عبارت "هیچ سودی را پیش‌بینی نکنید، اما کلیه زیان‌ها را پیش‌بینی کنید" تعریف شده است. پیش‌بینی سود بدین معناست که سود را قبل از اینکه ادعای قانونی قابل تأییدی برای ایجاد این سودها وجود داشته باشد، شناسایی کنیم (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). در ادبیات پژوهشی پژوهش اصطلاح محافظه‌کاری به‌عنوان "تمایل حسابداران در دستیابی به درجه بالایی از رسیدگی جهت شناسایی خبرهای خوب به‌عنوان سودها نسبت به خبرهای بد به‌عنوان زیان‌ها" تعبیر گردیده است (باسو، ۱۹۹۷). در ایران، کمیته فنی سازمان حسابرسی در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محافظه‌کاری را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های خصوصیت کیفی قابل‌اتکا بودن در نظر گرفته، اما واژه محافظه‌کاری را به کار نبرده است، بلکه از واژه احتیاط به‌جای آن استفاده کرده است. احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام موردنیاز است، به‌گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیش از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود. این تعریف نشان می‌دهد که محافظه‌کاری محصول ابهام است و هرگاه مدیران و حسابداران با ابهام روبه‌رو شوند، محافظه‌کاری را به کار می‌برند (شورورزی و همکاران، ۱۳۹۱).

محافظه‌کاری به‌عنوان یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی است که در قالب یک میثاق محدودکننده در چارچوب اصول و مفاهیم حسابداری ایفاگر نقش مهمی در محدود کردن رفتارهای خوش‌بینانه مدیران در جایگاه تهیه‌کنندگان اطلاعات و اعمال برآوردی از حداقل عایدات توسط سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در جایگاه مهم‌ترین استفاده‌کنندگان، است و همچنین با توجه به اینکه کمیته حسابرسی یکی از اساسی‌ترین کمیته‌های هیئت‌مدیره در فرآیند گزارش دهی شرکت محسوب شده و نقش مهمی در رشد شرکت را ایفا می‌کند، ضروری به نظر می‌رسد که تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از کمیته‌های مؤثر در نظام حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری سود موردبررسی قرار گیرد. در این پژوهش یکی از ویژگی‌های موردبررسی کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی است.

نیگار و جی لی (۲۰۱۵)^۱ در پژوهش خود با عنوان محافظه‌کاری سود و تخصص مالی کمیته حسابرسی، به بررسی ارتباط بین تخصص مالی کلی اعضای کمیته حسابرسی، تخصص حسابداری و تخصص غیر حسابداری اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های کشور استرالیا طی دوره زمانی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ پرداختند. آن‌ها برای محاسبه محافظه‌کاری سود از دو مدل باسو^۲ و شیواکومار^۳ استفاده نمودند، یافته‌های آنان حاکی از آن بود که بین تخصص مالی کلی اعضای کمیته حسابرسی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی با محافظه‌کاری سود محاسبه‌شده بر اساس هر دو مدل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که در این بین، تأثیر تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی بارزتر است. همچنین یافته‌های آن‌ها حاکی از عدم ارتباط معنادار بین تخصص غیر حسابداری اعضای کمیته حسابرسی با محافظه‌کاری سود بود. به‌طورکلی آن‌ها دریافتند که

1. Nigar & J-L

2. Basu

3. Shivakumar

درک بهتر از ارتباط بین تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود، موجب بهبود گزارشگری مالی می‌شود (نیگار و جی لی، ۲۰۱۵).

سلیمان و رجب (۲۰۱۴)^۱ به بررسی ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی، کیفیت حسابرسی و درآمد شیوه‌های مدیریت ۵۰ شرکت مصری فعال تر ذکر شده در بورس اوراق بهادار مصر طی دوره ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ پرداختند. پس از کنترل اندازه، اهرم و جریان نقدی از فعالیت‌های عملیات، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل تک متغیره و چند متغیره نشان می‌دهد که استقلال کمیته حسابرسی، تجربه اعضای کمیته حسابرسی، جلسات کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معنادار با اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان یک نماینده برای مدیریت سود دارند. از سوی دیگر، هیچ رابطه مهمی بین اندازه کمیته حسابرسی و سطح اقلام تعهدی اختیاری وجود نداشت (سلیمان و رجب، ۲۰۱۴).

بنی مهد و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود با عنوان محافظه‌کاری حسابداری و پاداش مدیریت، رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و پاداش مدیریت را طی یک دوره ۹ ساله از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ در ۱۲۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آن‌ها حاکی از این بود که رابطه‌ای منفی میان محافظه‌کاری حسابداری و پاداش مدیریت وجود دارد. همچنین شواهد پژوهش نشان داد که پاداش مدیریت رابطه‌ای مثبت با اندازه شرکت و نسبت سودآوری دارد، اما نتایج این پژوهش رابطه‌ای معنادار میان نسبت بدهی و تغییر مدیریت با پاداش مدیریت را پیدا نکرد.

۳- توسعه فرضیه‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش سعی ما بر این است که با اندازه‌گیری سطح محافظه‌کاری بر مدل باسو، به بررسی تأثیر ویژگی‌های تخصص مالی کمیته حسابرسی بر میزان محافظه‌کاری سود بپردازیم و بتوانیم به درک مناسبی از این ارتباط برسیم.

با توجه به مبانی نظری بیان‌شده، فرضیه‌های زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: بین نسبت اعضاء مالی کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نسبت اعضاء حسابداری کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین نسبت اعضاء غیر حسابداری کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود رابطه معناداری وجود دارد.

۴- روش شناسی

این پژوهش از نوع توصیفی و از حیث هدف، پژوهشی کاربردی است. پژوهش توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده‌هایی مورد بررسی است. اجرای پژوهش توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری کردن به فرایند تصمیم‌گیری باشد. از آنجاکه در این پژوهش به منظور بررسی روابط بین متغیرها، از اطلاعات گذشته استفاده شده، در ردیف مطالعات پس رویدادی قرار می‌گیرد. در پژوهش پس رویدادی، داده‌ها از محیطی که به‌گونه‌ای طبیعی وجود داشته است و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت سیستم پژوهشگر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند؛ بنابراین امکان دست‌کاری متغیرها وجود ندارد. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه محافظه‌کاری سود و تخصص مالی کمیته حسابرسی است. در این پژوهش، ابتدا هریک از متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی محاسبه می‌شود، سپس فرضیه‌های پژوهش مبنی بر وجود ارتباط بین محافظه‌کاری سود و تخصص مالی کمیته حسابرسی با استفاده از مدل رگرسیون خطی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. برای آزمون فرضیه اول از مدل زیر استفاده می‌شود:

1. Soliman & Ragab

۴-۱- مدل (اول)

$$X_{it} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RRA_{it} + \beta_3 (DR_{it} * RRA_{it}) + \beta_4 EXPT_{it} + \beta_5 DR_{it} * EXPT_{it} + \beta_6 RRA_{it} * EXPT_{it} + \beta_7 RRA_{it} * DR_{it} * EXPT_{it} + \beta_8 LNTA_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

فرمول (۱)

که در آن:

X_{it} = نسبت سود عملیاتی پس از کسر مالیات بر ارزش بازار سهام شرکت در اول سال

DR_{it} = متغیر مجازی بازده سالانه

RRA_{it} = بازده سهام

$DR_{it} * RRA_{it}$ = متغیر بازده سهام در متغیر مجازی بازده سالانه (میزان محافظه‌کاری)

$EXPT_{it}$ = تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی

$DR_{it} * EXPT_{it}$ = ضریب و معناداری این متغیر بیانگر تفاوت ضریب متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی در بین شرکت‌های با بازده سالانه منفی و غیر منفی است.

$RRA_{it} * EXPT_{it}$ = ضریب و معناداری این متغیر بیانگر تفاوت ضریب متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی در بین شرکت‌هایی که نسبت به اعلام سود از خود واکنش نشان می‌دهند.

$RRA_{it} * DR_{it} * EXPT_{it}$ = ضریب و معناداری این متغیر بیانگر تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری سود است؛ یعنی با افزایش تخصص مالی کمیته حسابرسی در شرکت‌های نمونه، محافظه‌کاری سود نیز افزایش می‌یابد.

$LNTA_{it}$ = اندازه شرکت

LEV_{it} = اهرم مالی

ε_{it} = خطای استاندارد

$\beta_1 : \beta_9$ = ضرایب رگرسیون

β_0 = مقدار ثابت

برای آزمون فرضیه‌های دوم و سوم از مدل زیر استفاده می‌شود:

۴-۲- مدل (دوم)

$$X_{it} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RRA_{it} + \beta_3 (DR_{it} * RRA_{it}) + \beta_4 ACC-EXPT_{it} + \beta_5 DR_{it} * ACC-EXPT_{it} + \beta_6 RRA_{it} * ACC-EXPT_{it} + \beta_7 RRA_{it} * DR_{it} * ACC-EXPT_{it} + \beta_8 NONACC-EXPT_{it} + \beta_9 DR_{it} * NONACC-EXPT_{it} + \beta_{10} RRA_{it} * NONACC-EXPT_{it} + \beta_{11} RRA_{it} * DR_{it} * NONACC-EXPT_{it} + \beta_{12} LNTA_{it} + \beta_{13} LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

فرمول (۲)

که در آن:

$ACC-EXPT_{it}$ = تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی

$NONACC-EXPT_{it}$ = تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی

در این پژوهش از تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی، تخصص حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی و تخصص غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی به‌عنوان متغیرهای مستقل و از محافظه‌کاری سود مبتنی بر مدل باسو و شیواکومار به‌عنوان متغیرهای وابسته و اندازه شرکت و اهرم مالی نیز به‌عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است. نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش در نگاره (۱) زیر ارائه گردیده است.

جدول (۱) نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	متغیر بررسی شده	جانشین اندازه‌گیری متغیر	نماد متغیر
مستقل	تخصیص مالی اعضاء کمیته حسابرسی	تعداد اعضاء کمیته حسابرسی دارای تخصیص مالی تقسیم بر کل اعضاء حاضر در کمیته حسابرسی	EXPT
	تخصیص حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی	تعداد اعضاء متخصص با تخصیص حسابداری در ترکیب کمیته حسابرسی تقسیم بر کل اعضاء حاضر در کمیته حسابرسی	ACC-EXPT
	تخصیص غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی	تعداد اعضاء کمیته حسابرسی با تخصیص غیر حسابداری تقسیم بر کل اعضاء حاضر در کمیته حسابرسی	NONACC-EXPT
وابسته	محافظه‌کاری سود	مدل باسو ^۱	X
کنترلی	اندازه شرکت	لگاریتم کل دارایی‌های شرکت	LNTA
	اهرم مالی	کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌ها	LEV

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که اطلاعات مربوط به آن‌ها در دسترس است. جهت تعیین نمونه مورد نظر در این پژوهش، شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها در دسترس بوده، استفاده شده است. نگاره (۲) فرایند نمونه‌گیری از بین تمامی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران را نشان می‌دهد:

جدول (۲) فرایند انتخاب نمونه پژوهش

۵۳۱	تعداد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۳۹۳
(۶۵)	تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات آنان ناقص یا در دسترس نبود
(۹۹)	شرکت‌های دارای وقفه معاملاتی بیش از شش ماه
(۸۴)	مؤسسات مالی و واسطه‌گری، هلدینگ، سرمایه‌گذاری و لیزینگ
(۱۸۲)	شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند نیست یا در طول دوره پژوهش سال مالی خود را عوض کرده اند
(۴۳۰)	جمع شرکت‌های حذف شده
۱۰۱	شرکت‌های باقی‌مانده جهت استخراج اطلاعات

با توجه به شروط فوق، از بین کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، تعداد ۱۰۱ شرکت به‌عنوان نمونه این پژوهش استخراج شدند.

نگاره (۳) حاوی آمار توصیفی متغیرهای مربوط به مدل اصلی جهت آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به‌صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر واریانس، چولگی و کشیدگی است. در این نگاره تعداد مشاهدات برای هر متغیر برابر ۲۰۲ مشاهده است.

¹. $X_{it} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RRA_{it} + \beta_3 (DR_{it} * RRA_{it}) + \epsilon_{it}$

جدول (۳) آمار توصیفی متغیرهای مدل‌های پژوهش

مشاهدات	کشیدگی	پهنای	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانگین	زیر-میانگین	آماره متغیر
۲۰۲	۱۹/۶۳۵	۳/۸۳۵	۰/۵۱۲	۰/۰۰۰۱	۳/۴۰۸	۰/۱۰۵	۰/۲۶۹	نسبت سود به ارزش بازار سهام
۲۰۲	۱/۳۸۷	۰/۶۲۲	۰/۴۷۸	۰/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۳۵۱	متغیر مجازی بازده سالانه
۲۰۲	۶/۱۴۷	۱/۵۴۱	۱۴۰/۲۳۸	-۸۲/۹۹۳	۷۳۹/۰۹۰	۴۴/۴۴۵	۹۱/۴۸۶	بازده سهام
۲۰۲	۳/۲۰۱	-۰/۶۵۹	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰	۱	۰/۶۶۶	۰/۷۰۰	تخصص مالی کمیته
۲۰۲	۲/۸۶۶	-۰/۵۲۴	۰/۲۶۸	۰/۰۰۰	۱	۰/۶۶۶	۰/۶۳۹	تخصص غیر حسابداری کمیته
۲۰۲	۳/۰۰۲	۰/۵۴۸	۰/۲۶۲	۰/۰۰۰	۱	۰/۳۳۳	۰/۳۵۵	تخصص حسابداری کمیته
۲۰۲	۳/۶۸۴	۰/۸۱۱	۰/۶۴۴	۴/۸۴۵	۸/۰۵۷	۶/۱۲۰	۶/۲۲۱	اندازه شرکت
۲۰۲	۲/۷۷۵	-۰/۰۱۴	۰/۲۱۰	۰/۰۱۲	۱/۰۳۶	۰/۵۲۷	۰/۵۴۴	اهرم مالی

از مهم‌ترین شاخص‌های مرکزی، میانگین است. در بین متغیرها، بیشترین میانگین مربوط به متغیر بازده سهام (۹۱/۴۸۶) و کمترین میانگین مربوط به متغیر نسبت سود به ارزش بازار سهام (۰/۲۶۹) است. با بررسی پراکندگی داده‌ها نیز مشخص شد که در بین متغیرها، بیشترین انحراف معیار مربوط به متغیر بازده سهام (۱۴۰/۲۳۸) و کمترین انحراف معیار مربوط به جریان تخصص حسابداری کمیته (۰/۲۶۲) است.

۵- تحلیل داده‌ها

در ادامه با برآورد مدل‌ها، درباره پذیرش یا عدم پذیرش فرضیه‌های پژوهش تصمیم‌گیری می‌شود.

۵-۱- فرضیه اول

نگاره (۴) نتایج حاصل از برآورد مدل اول را با استفاده از نرم‌افزار Eviews 9 و روش EGLS نشان می‌دهد.

جدول (۴) نتایج تخمین مدل اول

متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۱/۰۴۳	۰/۳۸۹	۲/۶۷۶	۰/۰۰۸
متغیر مجازی بازده سالانه	-۰/۲۷۹	۰/۱۸۸	-۱/۴۸۰	۰/۱۴۰
بازده سهام	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۶	۰/۳۴۸	۰/۷۲۷
بازده سهام در متغیر مجازی بازده سالانه (محافظه‌کاری سود)	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۵	-۲/۱۲۹	۰/۰۳۴
تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰/۰۷۳	۰/۱۸۰	۰/۴۰۷	۰/۶۸۴
تخصص مالی کمیته حسابرسی در متغیر مجازی بازده سالانه	۰/۲۳۹	۰/۲۴۸	۰/۹۶۱	۰/۳۳۷
تخصص مالی کمیته حسابرسی در بازده سهام	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۸	۰/۱۴۱	۰/۸۸۸
تخصص مالی کمیته حسابرسی در محافظه‌کاری سود	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۱/۲۴۰	۰/۲۱۶
اندازه شرکت	-۰/۱۶۵	۰/۰۵۶	-۲/۹۳۴	۰/۰۰۳
اهرم مالی	۰/۳۰۴	۰/۱۴۹	۲/۰۳۶	۰/۰۴۳
ضریب تعیین = ۰/۱۹۰		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۱۴۷		
آماره دوربین واتسون = ۱/۷۹۹		آماره آزمون F = ۴/۴۸۳		احتمال آزمون F = ۰/۰۰۰

نتایج مندرج در نگاره (۴) نشان می‌دهد که احتمال آزمون F برابر با ۰/۰۰۰ است که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و از آنجائی که آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت مدل اول با احتمال ۹۵٪ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. طبق نتایج مندرج در نگاره (۴)، سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر مجازی بازده سالانه (۰/۱۴۰)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (۰/۲۷۹-) منفی است؛ در نتیجه می‌توان گفت که بین متغیر مجازی بازده سالانه و نسبت سود به ارزش بازار سهام ارتباط معکوسی وجود دارد؛ اما این ارتباط از لحاظ آماری معنادار نیست. همچنین، نتایج نگاره (۴) نشان‌دهنده سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر بازده سهام (۰/۷۲۷)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (۰/۰۰۰۲) مثبت است؛ در نتیجه می‌توان گفت که بین بازده سهام و نسبت سود به ارزش بازار سهام ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ اما این ارتباط از لحاظ آماری معنادار نیست.

همچنین، همان‌گونه که نتایج مندرج در نگاره (۴) نشان می‌دهد، سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر بازده سهام در متغیر مجازی بازده سالانه (میزان محافظه‌کاری) برابر با ۰/۰۳۴ یعنی کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (β₃) برابر با ۰/۰۱۱- یعنی منفی است؛ در نتیجه با توجه به منفی بودن این ضریب (β₃)، می‌توان اظهار داشت که درجه تأیید پذیری اخبار خوب نسبت به اخبار بد کمتر است که این موضوع حاکی از عدم وجود محافظه‌کاری است.

همچنین در مدل اول که برای بررسی فرضیه اول مورد برآزش قرار گرفت، انتظار بر این بود ضریب β₇ (متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی در محافظه‌کاری سود) که بیانگر تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری سود است، مثبت باشد. طبق نتایج مندرج در نگاره (۴)، سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی در محافظه‌کاری سود برابر ۰/۲۱۶ یعنی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (β₇) برابر با ۰/۰۰۸ یعنی مثبت است؛ در نتیجه می‌توان اظهار داشت که تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری سود اثر مثبت دارد؛ اما این تأثیرگذاری از لحاظ آماری معنادار نیست. بر این اساس، می‌توان گفت که فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین نسبت اعضای مالی کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود بر اساس مدل باسورد می‌شود.

همچنین، نتایج مندرج در نگاره (۴) حاکی از این است که سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر کنترلی اندازه شرکت (۰/۰۰۳)، کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (۰/۱۶۵-) منفی است؛ در نتیجه می‌توان گفت که بین متغیر اندازه شرکت و نسبت سود به ارزش بازار سهام ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد و نیز نتایج مندرج در نگاره (۴) نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر کنترلی اهرم مالی (۰/۰۴۳)، کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (۰/۳۰۴) مثبت است؛ در نتیجه می‌توان گفت که بین متغیر اهرم مالی و نسبت سود به ارزش بازار سهام ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. نتایج نگاره مقدار آماره دوربین واتسون را در مدل اول به میزان ۱/۷۹۹ نشان می‌دهد که این مقدار بین بازه ۱/۵ تا ۲/۵ است که این موضوع حاکی از این است که بین خطاها همبستگی وجود ندارد.

۵-۲- فرضیه‌های دوم و سوم

نگاره (۵) نتایج حاصل از برآورد مدل دوم را با استفاده از نرم‌افزار Eviews 9 و روش EGLS نشان می‌دهد.

جدول ۵- نتایج برآورد مدل دوم

متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۱/۰۸۸	۰/۴۱۰	۲/۶۵۴	۰/۰۰۸
متغیر مجازی بازده سالانه	-۴/۹۷۴	۱/۳۴۰	-۳/۷۱۰	۰/۰۰۰
بازده سهام	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۱/۷۷۸	۰/۰۷۷
بازده سهام در متغیر مجازی بازده سالانه (محافظه کاری سود)	-۰/۴۶۵	۰/۱۲۳	-۳/۷۷۱	۰/۰۰۰
تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی	۰/۰۰۲	۰/۱۴۶	۰/۰۱۸	۰/۹۸۵
تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در متغیر مجازی بازده سالانه	۴/۶۹۴	۱/۳۷۴	۳/۴۱۴	۰/۰۰۰
تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در بازده سهام	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۲/۰۱۳	۰/۰۴۵
تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در محافظه کاری سود	۰/۴۵۷	۰/۱۲۴	۳/۶۷۷	۰/۰۰۰
تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی	۰/۰۳۶	۰/۱۶۳	۰/۲۲۱	۰/۸۲۵
تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در متغیر مجازی بازده سالانه	۴/۹۶۲	۱/۳۳۷	۳/۷۰۹	۰/۰۰۰
تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در بازده سهام	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۲/۰۸۸	۰/۰۳۸
تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در محافظه کاری سود	۰/۴۶۲	۰/۱۲۳	۳/۷۵۷	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۱۶۹	۰/۰۶۵	-۲/۵۷۴	۰/۰۱۰
اهرم مالی	۰/۳۲۹	۰/۱۵۹	۲/۰۶۷	۰/۰۴۰
ضریب تعیین = ۰/۱۹۳		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۱۳۳		
آماره دوربین واتسون = ۱/۷۸۴		آماره آزمون F = ۳/۲۰۸	احتمال آزمون F = ۰/۰۰۰	

طبق نتایج مندرج در نگاره (۵)، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مجازی بازده سالانه (۰/۰۰۰)، کوچکتر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر منفی است؛ در نتیجه می توان گفت که بین متغیر مجازی بازده سالانه و نسبت سود به ارزش بازار سهام ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج نگاره (۵) نشان دهنده سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر بازده سهام (۰/۰۷۷)، بزرگتر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر منفی است؛ در نتیجه می توان گفت که بین بازده سهام و نسبت سود به ارزش بازار سهام ارتباط معکوسی وجود دارد؛ اما این ارتباط از لحاظ آماری معنادار نیست. طبق نتایج مندرج در نگاره (۵)، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر بازده سهام در متغیر مجازی بازده سالانه (میزان محافظه کاری) برابر با ۰/۰۰۰ یعنی کوچکتر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (β₃) منفی است؛ در نتیجه با توجه به منفی بودن این ضریب (β₃)، می توان اظهار داشت که درجه تأیید پذیری اخبار خوب نسبت به اخبار بد کمتر است که این موضوع حاکی از عدم وجود محافظه کاری است.

همچنین در مدل دوم که برای بررسی فرضیه های دوم و سوم مورد برآزش قرار گرفت، انتظار بر این بود ضریب β₇ (متغیر تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در محافظه کاری سود) و ضریب β₁₁ (متغیر تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در محافظه کاری سود) که بیانگر تأثیر تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی و تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی بر محافظه کاری سود است، مثبت باشد. طبق نتایج مندرج در نگاره (۵)، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در محافظه کاری سود (۰/۰۰۰) کوچکتر

از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (β_7) مثبت است؛ در نتیجه می‌توان اظهار داشت که تخصص حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری سود اثر مثبت و معناداری دارد. بر این اساس، می‌توان گفت که فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین نسبت اعضاء حسابداری کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود پذیرفته می‌شود. همچنین همان‌گونه که نتایج مندرج در نگاره (۵) نشان می‌دهد، سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی در محافظه‌کاری سود (۰/۰۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (β_{11}) مثبت است؛ در نتیجه می‌توان اظهار داشت که تخصص غیر حسابداری تعداد اعضاء کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری سود اثر مثبت و معناداری دارد. بر این اساس، می‌توان گفت که فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین نسبت اعضاء غیر حسابداری کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود پذیرفته می‌شود.

همچنین، نتایج مندرج در نگاره (۵) حاکی از این است که سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر کنترلی اندازه شرکت (۰/۱۰)، کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر منفی است؛ در نتیجه می‌توان گفت که بین متغیر اندازه شرکت و نسبت سود به ارزش بازار سهام ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد و نیز نتایج مندرج در نگاره (۵) نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر کنترلی اهرم مالی (۰/۰۴۰)، کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر مثبت است؛ در نتیجه می‌توان گفت که بین متغیر اهرم مالی و نسبت سود به ارزش بازار سهام ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، ارتباط بین تخصص مالی کمیته حسابرسی با محافظه‌کاری سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی دوساله (۱۳۹۲-۱۳۹۳) برای ۱۰۱ شرکت مورد بررسی قرار گرفت. پس از سنجش و ارزیابی متغیرها، ارتباط بین آن‌ها از طریق روش رگرسیونی بررسی گردید و نتایج بررسی و آزمون فرضیه‌ها بر اساس مدل محافظه‌کاری سود باسو حاکی از این بود که تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری سود ندارد که این یافته مخالف با یافته پژوهش نیگار و جی لی است؛ چراکه آن‌ها به رابطه مثبت و معناداری بین متغیرهای فوق دست یافته بودند. همچنین نتایج نشان داد که تأثیر تخصص حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی و تخصص غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری سود مثبت و معنادار است که این یافته مطابق با یافته پژوهش نیگار و جی لی است؛ چراکه آن‌ها نیز به نتایج مشابهی دست یافته بودند. نتایج آزمون فرضیه‌ها بر اساس مدل محافظه‌کاری سود شیواکومار نشان داد که تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی، تخصص حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی و تخصص غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری سود ندارند؛ این در حالی است که نیگار و جی لی در پژوهش خود دریافتند که رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی و تخصص حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی با محافظه‌کاری سود وجود داشته و ارتباط بین تخصص غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری سود معنادار نیست. به‌طور کلی می‌توان گفت در شرکت‌های حاضر در نمونه پژوهش، چنانچه مدل باسو جهت اندازه‌گیری محافظه‌کاری سود مدنظر قرار گیرد، تخصص حسابداری و غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی، بر میزان اعمال محافظه‌کاری سود تأثیر مثبت داشته و باعث افزایش سطح آن می‌شود؛ این در حالی است که در صورت اندازه‌گیری محافظه‌کاری سود مبتنی بر مدل شیواکومار، تخصص اعضاء کمیته حسابرسی اعم از مالی، حسابداری و غیر حسابداری، تأثیری بر سطح محافظه‌کاری سود ندارد.

۶-۱- پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل اول و دوم نشان داد که ضریب β_3 در هر دو مدل منفی و معنادار است. منفی بودن این ضریب به این معنا است که درجه تأیید پذیری اخبار خوب نسبت به اخبار بد کمتر است؛ لذا مشاهده می‌شود که این نتیجه‌گیری با پیش‌بینی تئوریکی در تضاد است؛ چراکه طبق تعریف باسو از محافظه‌کاری، درجه تأیید اخبار خوب (سود) نسبت به درجه تأیید اخبار بد (زیان) باید بالاتر باشد. بر این اساس، نمی‌توان به نتایج حاصل از الگو باسو اتکا کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت که بر مبنای نتایج این پژوهش، استفاده از الگوی باسو برای بررسی عدم تقارن زمانی سود ناشی از محافظه‌کاری توصیه نمی‌شود و

باید به جای آن از الگوی واتس و خان^۱ و یا سایر الگوهایی که متغیرهای اصلی آن مستقل از بازده سهام می‌باشند، استفاده نمود. به علاوه، برای بررسی عدم تقارن زمانی سود ناشی از محافظه‌کاری، در نظر گرفتن اثر متقابل تخصص حسابداری و غیر حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی ضروری است. نتایج حاصل از پژوهش، ارتباط مستقیم و معناداری را بین نسبت اعضاء حسابداری و غیر حسابداری کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری نشان داد؛ بنابراین، می‌توان گفت که در بورس اوراق بهادار تهران، تخصص حسابداری و غیر حسابداری بیشتر، موجب اعمال بیشتر محافظه‌کاری سود می‌شود. با توجه به اینکه سازمان بورس اوراق بهادار تهران در خصوص تشکیل کمیته حسابرسی توجه لازم و کافی نداشته است (علیرغم الزامی شدن تشکیل کمیته حسابرسی در شرکت‌های بورسی در سال ۱۳۹۱، در هنگام جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز مشاهده شد که تعدادی زیادی از شرکت‌ها هنوز اقدامی در این زمینه نکرده‌اند)، به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود در مورد تشکیل هر چه سریع‌تر کمیته حسابرسی متخصص، مستقل و فعال در کلیه شرکت‌ها اقدام نماید. از آنجایی که کمیته حسابرسی یکی از جدیدترین معیارهای ارزیابی نظارت بر عملکرد واحد تجاری است و بیانگر پاسخگویی بهتر به هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان واحد تجاری است؛ بنابراین بر اساس مبانی نظری پژوهش، به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توصیه می‌شود، توجه و تأکید بیشتری بر ایجاد کمیته حسابرسی و درک اهمیت و نقش آن در عملکرد کلی شرکت و تأثیر مثبت آن در جلوگیری از رانت‌های مالی، اشتباهات، تخلفات و فرآیند افشای اطلاعات نمایند.

۶-۲- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوع‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- با توجه به دوره زمانی کم و دوساله، پیشنهاد می‌شود در سال‌های آتی پژوهشی مشابه با در نظر در دوره‌های زمانی بیشتر انجام شود.
- ۲- با توجه به اینکه نمونه آماری پژوهش حاضر دربرگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر برای هر یک از صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران به صورت جداگانه صورت گیرد.

۷- منابع

۱. احمدی دستجردی، حسین. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اثر گذار بر محافظه‌کاری حسابداری در واحدهای تجاری با استفاده از شاخصهای مختلف محافظه‌کاری. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده مدیریت و اقتصاد. بهمن ۱۳۹۰.
۲. باقرزاده، سعید. (۱۳۷۹). تأملی در نقش و جایگاه کمیته حسابرسی در فرآیند گزارشگری مالی شرکت‌های سهامی. مجله حسابداری. (۱۴۱): ۱۹-۲۳.
۳. بنی مهد، بهمن. مرادزاده فرد، مهدی. ولی خانی، محمد جعفر. (۱۳۹۳). محافظه‌کاری حسابداری و پاداش مدیریت. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت. ۷ (۲۲): ۲۱-۳۴.
۴. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). فلسفه حسابرسی. انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۵. رضایی، حسن. (۱۳۹۱). تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر محافظه‌کاری با در نظر گرفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانشکده اقتصاد و مدیریت. دانشگاه ارومیه.
۶. شورورزی، محمدرضا. خلیلی، محسن. سلیمانی، حمید. فروتن، امید. (۱۳۹۱). ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۷ (۲۵): ۱۳۹-۱۲۱.
۷. قنبریان، رضا. (۱۳۹۰). کمیته حسابرسی. مجله حسابداری. (۲۳۰): ۲۸-۳۱.
۸. مجتهدزاده، ویدا. (۱۳۹۰). رابطه نظریه نمایندگی و مالکیت مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. تحقیقات حسابداری و حسابرسی. ۳ (۱۰): ۳۱-۴۹.

¹. Watts & Khan

۹. مکرمی، یدالله. (۱۳۸۲). نظریه اطلاعات نامتقارن. مجله حسابداری. (۱۶۰): ۴۲-۴۵.
۱۰. میرزایی، بهنام. (۱۳۹۳). نقش حسابداری محافظه کاری در خطای مدیریت در پیش بینی سود. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری موسسه آموزش عالی کوشیار. شهریور ۱۳۹۳.
11. Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings 1. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.
12. Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26: 327-349.
13. Li, J., Mangena, M., & Pike, R. (2012). The effect of audit committee characteristics on intellectual capital disclosure. *The British Accounting Review*, 44(2): 98-110.
14. Mangena, M., & Pike, R. (2005). The effect of audit committee shareholding, financial expertise and size on interim financial disclosures. *Accounting & Business Research*, 35(4): 327-349.
15. Rupley, K., Almer, E., & Philbrick, D. (2011). Audit committee effectiveness: Perceptions of public company audit committee members post-SOX. *Research in Accounting Regulation*, 23(2): 138-144.
16. Soliman, M. M., & Ragab, A. A. (2014). Audit committee effectiveness, audit quality and earnings management: an empirical study of the listed companies in Egypt. *Research Journal of Finance and Accounting*, 5(2): 155-166.
17. Sultana, N., & Mitchell Van der Zahn, J. L. (2015). Earnings conservatism and audit committee financial expertise. *Accounting & Finance*, 55(1), 279-310.
18. Watts, R. L. & Khan, M. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of accounting and Economics*, 48(2), 132-150.
19. Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1986). Positive accounting theory.